



The Element of Maslaha as the Origin of Formulating the Theory of Social Security with an Emphasis on the Views of Imam Khomeini¹

Hadi Khoshnoudi

Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Shahid Mahallati College, Qom, Iran
h.khoshnodi@gmail.com; Orcid: 0009-0006-6813-4082

Abstract

Social security is one of the essential needs of human beings. A person's life within society, their attainment of perfection, growth, success, and access to various rights are all contingent upon social security, which in turn means the reduction or absence of societal threats and harms. The science of security has attracted attention since the advent of Islam, and security jurisprudence in Shia Imamiyyah jurisprudence has been profoundly influenced by elements such as maslaha (expediency or public interest), which holds a unique and pivotal position. This study, using library resources and a descriptive-analytical method, explores how the jurisprudential element of maslaha contributes to the development of a theory of social security in Islamic jurisprudence. By emphasizing the views of Imam Khomeini, the study demonstrates that this critical element is capable of underpinning the development of a jurisprudential theory of security. It also examines the applications of different types of maslaha in

1. Khoshnoudi, H. (2025). The element of maslaha as the origin of formulating the theory of social security, with an emphasis on the views of Imam Khomeini. *Journal of Fiqh*, 31(120), pp. 109-135. [In Persian]. <https://doi.org/10.22081/jf.2025.69821.2840>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Research Article

▣ **Received:** 2024/09/02 • **Revised:** 2025/01/15 • **Accepted:** 2025/04/14 • **Published online:** 2025/05/10

© The Authors



deriving rulings related to security jurisprudence. The findings suggest that both traditional (state-centered and power-centered) and modern (society-centered and identity-centered) approaches in social security highlight the role of maslaha in the inference and formulation of theory. Security, in addition to its intra-jurisprudential dimensions, also has extra-jurisprudential aspects. Imam Khomeini addressed this issue in areas such as public security, regime security, leadership security, and the security objectives of the government. A localized theory of social security can be extracted from the following jurisprudential topics: external supervisory bodies and the enjoining of good and forbidding of evil, jurisprudence of religious propagation (fiqh al-da'wah), the principle of advising the leaders of Muslims (al-nasihah li-a'immah al-muslimin), consultation in politics and governance, the principle of preserving the Islamic system, the intelligence institution, and the principle of cooperation. Imam Khomeini's method in presenting a jurisprudential theory of security is rooted in Jawahiri fiqh and is characterized by a direct connection between jurisprudence, public interests, and social security.

Keywords

Security jurisprudence, Maslaha, Security theory, Individual and social security, Imam Khomeini.

عنصر مصلحت، خاستگاه تولید نظریه امنیت اجتماعی، با تأکید بر دیدگاه امام خمینی علیه السلام.

هادی خوشنودی

استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق، دانشکده شهید محلاتی، قم، ایران.
h.khoshnodi@gmail.com; Orcid: 0009-0006-6813-4082



چکیده

امنیت اجتماعی از نیازهای ضروری انسان است و زندگی انسان در میان اجتماع و وصول به کمال و رشد و موفقیتش و رسیدن به حقوق مختلف در گرو امنیت اجتماعی است که امنیت اجتماعی هم مساوی با کاهش یا فقدان تهدیدها و آسیب‌های مختلف اجتماع است. دانش امنیت از عصر ظهور اسلام مورد توجه بوده و فقه امنیت نیز متأثر از عناصری مانند مصلحت، جایگاه بی بدیلی در فقه امامیه دارد. پژوهش حاضر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی - تحلیلی، چگونگی تأثیر عنصر فقهی مصلحت در تولید نظریه امنیت اجتماعی در فقه را بیان و با تأکید بر دیدگاه امام خمینی علیه السلام ضمن اثبات متکفل بودن این عنصر مهم برای تولید نظریه در فقه امنیت، کاربرد انواع مصلحت برای استنباط فقه امنیت را بررسی و به این نتایج دست یافته است: دو رویکرد سنتی (دولت محور و قدرت محور) و مدرن (جامعه محور و هویت محور)، در امنیت اجتماعی تأثیر مصلحت را در استنباط و تولید نظریه آشکار می‌کند؛ امنیت افزون بر جنبه درون فقهی، جوانب برون فقهی داشته و امام خمینی علیه السلام در محورهای امنیت مردم، امنیت نظام، امنیت رهبری و اهداف امنیتی حکومت بدان پرداخته است. نظریه

* استناد به این مقاله: خوشنودی، هادی. (۱۴۰۳). عنصر مصلحت، خاستگاه تولید نظریه امنیت اجتماعی، با تأکید بر دیدگاه امام خمینی. فقه، ۳۱ (۱۲۰)، صص ۱۰۹-۱۳۵.

<https://doi.org/10.22081/jf.2025.69821.2840>

نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۲ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۰/۲۶ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۵ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰



بومی امنیت اجتماعی از مباحث فقهی زیر قابل استخراج است: نهاد نظارتی بیرونی و امر به معروف و نهی از منکر، فقه الدعوه، اصل النصیحه لائمة المسلمین و مشورت در سیاست و حکومت، قاعده حفظ نظام، نهاد اطلاعاتی و قاعده تعاون. روش امام خمینی علیه السلام در ارائه نظریه فقه امنیت، فقه جواهری و ارتباط مستقیم بین فقه با مصالح اجتماع و امنیت اجتماعی است.

کلیدواژه‌ها

فقه امنیت، عنصر مصلحت، نظریه امنیتی، امنیت فردی و اجتماعی، امام خمینی علیه السلام.

مقدمه

علم و فرهنگ، سیاست و قدرت و اقتصاد و ثروت ملازم با تمدن‌سازی بوده و تولیدشان بدون امنیت غیرممکن است و از طرفی تولید امنیت بدون نظریه‌پردازی امنیتی امکان‌پذیر نیست. یکی از مهمترین عرصه‌های تولید نظریه امنیت، فقه امنیت است که به‌ویژه بحث تأثیر قواعد و عناصر فقهی در میان پژوهشگران کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

برخی پژوهش‌ها فقط مفهوم مصلحت (رحیمی، ۱۴۰۰) برخی نسبت مصلحت و امنیت در فقه سیاسی شیعه (سلیمانی، ۱۳۸۹) و برخی دیگر نقش آموزه‌های فقهی در طراحی راهبرد امنیتی (لک‌زایی، ۱۳۹۷) را مد نظر قرار داده‌اند. اما امتیاز پژوهش حاضر، این است که عنصر مصلحت، به‌عنوان خاستگاه تولید نظریه امنیت اجتماعی و دیدگاه امام خمینی علیه السلام با توجه به رویکرد خاصش مورد بررسی قرار گرفته است.

اهمیت و ضرورت این مسئله زمانی واضح‌تر می‌گردد که بدانیم قدمت نظریه پردازی امنیتی در علوم اسلامی، به بلندای تاریخ اسلام است چون آغاز اسلام همراه با امنیتی‌ترین مسائل (اعم از دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حصر و تحریم و رنج‌های متعدد هجرت و مانند آن) بود.

مطالعات امنیتی در زمینه‌های گوناگون فلسفی (لک‌زایی، ۱۳۸۹) کلامی (خواجه نصیر طوسی، شهید مطهری) تفسیری (جوادی آملی، تفسیر موضوعی، ج ۱۲، ص ۲۵۷) اخلاقی (غزالی، نراقی و امام خمینی) تاریخی (طبری و مسعودی) و فقهی بوده که در این نوشتار فقط نظریه پردازی فقهی مورد کاوش قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد علت کمتر استفاده کردن از مصلحت در نظریات امنیتی فقه شیعه، دو عامل باشد: عامل اول جریانات صدر اسلام و انحراف بحث امامت و داخل کردن مرجع مستقلی مانند استصلاح در بین اهل سنت که شیعه انکار کرد. عامل دوم نقد فراوان و شدید بعضی روشنفکران از سکوت نخبگان در مقابل نظام ظلم با بهانه مصلحت‌اندیشی که باعث تلقی تقابل مصلحت با اجتهاد شد (افتخاری، ۱۳۸۴).

از طرفی دیگر یکی از هدف‌های خاص فقه امامیه، تحقق بخشیدن به امنیت اجتماعی بوده که عناصر و مولفه‌های گوناگونی در این زمینه دخیل خواهند بود. در پژوهش پیش‌رو با داشتن این فرضیه که وجود عنصر مصلحت خاستگاهی برای تولید نظریه امنیت اجتماعی است در ضمن اشاره به بحث‌های فقهی مربوط به امنیت به‌ویژه عنصر مصلحت، جایگاه امنیت در فقه و تأثیرش در امنیت اجتماعی بررسی می‌شود تا به این پرسش پاسخ دهد که تأثیر عنصر فقهی مصلحت در تولید نظریه امنیت اجتماعی با تأکید بر دیدگاه امام خمینی علیه السلام کدام است؟

۲. مفاهیم تحقیق

۲-۱. عنصر مصلحت

مصلحت در لغت گرفته شده از صَلَح مقابل فساد می‌باشد (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۹۱۹؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۱۵) و بعضی آن را اسم مکان یا مصدر میمی دانسته‌اند (شرطونی، ۱۴۰۳ق، ص ۲۲۲) و راغب اصفهانی این کلمه را بمعنای عدم خروج از اعتدال و متضاد فساد می‌داند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ص ۷۹).

عنصر مصلحت در معنای اصطلاحی، پرکاربردترین آن در فقه بوده و متکفل پاسخ به این پرسش است که آیا احکام شرعی در جایگاه استنباط از مصلحت به‌عنوان منبع مستقلی بهره‌مند خواهد بود یا نه؟ این بحث در دو مکتب اصلی اهل سنت و تشیع شکل گرفته است. اما در اهل سنت براساس برخی نظرات به معنای سود و منفعت خواسته شده برای بندگان توسط حاکم شرع اعم از حفظ عقل و دین و جان و مال (رمضان البوطی، ۱۳۸۳، ص ۲۷) و طبق تعریف مشهور غزالی، صیانت از عقل و نسل و مال و دین و جان با مصلحت مخفی در این پنج تا است (غزالی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۳۳). پس در فقه اهل سنت مصلحت همان مصالح مرسله و استصلاح است و متمایز کننده اهل سنت در بحث مصلحت اعتبار دادن به مصالح مرسله با حجیت داشتن اجماع و عملکرد خلفاست (رمضان البوطی، ۱۳۸۳، ص ۲۲۲).

از نظر برخی اندیشمندان در فقه شیعه، شیخ مفید اولین نفری است که بحث

مصلحت را مطرح نموده است (حسینی، ۱۳۸۱، ص ۱۲). شهید اول در برخی آثارش آن را بمعنای دفع ضرر و جلب منفعت دانسته است (عاملی، بی تا، ج ۲، ص ۱۲). صاحب جواهر مصلحت را دنیوی و اخروی دانسته است (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۱، ص ۸۱). برخی نیز مصلحت را به معنای نفع و ضرر معتبر از نظر شارع یا مطابقت عقلی با معیارهای شرع می دانند (میرزای قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۹۲).

با توجه به مطالب گفته شده به نظر می رسد که اولاً اعمال مصلحت در جهت حکمت بوده و هر کار دارای مصلحت، خیر و سعادت به همراه دارد، ثانیاً معنای مصلحت اخص از این واژه ها بوده و فقط در صورت اجتماع خیر و سعادت و حکمت و منفعت، صدق مصلحت صحیح است (ایزدهی، ۱۳۹۲، ص ۳۷)، ثالثاً حکم شرع تابع مصلحت و مفسده است نه نفع و ضرر؛ لذا اکثر احکام با وجود داشتن مصلحت، ضرر ظاهری هم دارند مانند خمس، زکات، جهاد، حج؛ و در برخی از کارهای حرام شرعی نیز نفع مالی یا بدنی می باشد (خویی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۴۰۶).

در فقه چند نوع مصلحت وجود دارد:

مصلحت های معتبر شرعی: مصلحتی که لزومش را شارع تعیین و حکمی برایش قرار داده است.

مصلحت های لغو شده: مصلحتی که براساس قاعده باید به آن توجه می شد اما بخاطر تعارض داشتن با مصلحت مهمتر و بزرگتری لغو شده است؛ مانند مساوی بودن ارث پدر و دختر که بخاطر مصلحت مهمتر وظایف سنگین زوج (نفقه و...) لغو شده است.

مصلحت های مرسله: یعنی مصلحت رها شده توسط شارع که هیچ قیدی اعم از اعتبار یا لغویت زده نشده و درباره ایجاب یا سلبش مطلبی بیان نشده است (فیض، ۱۳۸۲، ص ۳۳۷).

مصلحت در فقه شیعه گرچه منبع مستقلی نیست اما همیشه به عنوان یک عنصر مطرح بوده است. عالی ترین کاربرد این عنصر را در تفکرات فقهی امام خمینی علیه السلام می توان دید که از مصلحت بمنزله یک عنصر راهبردی در هنگام تصمیم گیری در حکومت اسلامی یاد می کند. ایشان ضمن اینکه فقه را تئوری اداره جامعه و مقتضیان زمان و مکان

می‌دانند، فقه سنتی (جوهری) را به‌عنوان مبنای مصلحت عملیاتی کردند (خمینی، ۱۳۷۰، ج ۲۱، ص ۹۸).

حضرت امام علیه السلام عنصر مصلحت را از یک نظریه معمولی و سطح ساده به نهادی پیشرفته و قانونی به نام مجمع تشخیص مصلحت نظام درآوردند که چنین تلقی راهبردی درباره مصلحت با نظریه ولایت مطلقه فقیه به اوج خود رسید. تأثیر عنصر مصلحت در تولید نظریه، تعیین روش‌های جدید در نوشتن قانون و گنجاندن احکام شرعی در قالب‌های جدید و مترقی دارای تناسب با زمان و پیشرفته و مصلحت‌گرایی در آنها بسیار روشن و انکارناپذیر است و در هر عصری نیاز به مصلحت‌سنجی ویژه‌ای دارد که یکی از مهمترین مصالح، ساماندهی روابط اجتماعی و امنیت اجتماعی و رفاه مردم جامعه است که فقط با مقررات مناسب امکان‌پذیر است (عمید زنجانی، ۱۳۸۴، ج ۹، ص ۱۲۳).

۲-۲. امنیت اجتماعی

امنیت از نظر لغوی ضد ترس و به معنای آرامش و سکون نفس است (راغب، ۱۴۱۶، ص ۲۵) و در اصطلاح امنیت یک پدیده احساسی است که ایمنی لازم در ذهن توده مردم و حاکمان و دولتمردان برای زندگی بی‌دغدغه در تحققش لازم است (خوش‌فر، ۱۳۸۶). نظر جامعه‌شناسان در مورد احساس امنیت واژه تولید اجتماعی به معنای نقش آفرینی نهادهای اجتماعی در شکل‌گیری امنیت است که همگی در ارتقای نقش دارند (هزارجریبی، ۱۳۹۰).

اولین بار این اصطلاح توسط بوزان به کار گرفته شد که مرادش، قابلیت حفظ کردن فرهنگ، هویت، مذهب و زبان ملی است (نویدینا، ۱۳۸۵). از دیدگاه وی، ارجاع امنیت اجتماعی به جنبه‌های فردی زندگی هر شخص است که با هویت جمعی سامان می‌یابد (نویدینا، ۱۳۸۲). برخی اندیشمندان امنیت اجتماعی را تمهیدات لازم برای سبک زندگی افراد جامعه دانسته‌اند (گیدنز، ۱۳۸۳) و برخی دیگر آن را تأمین آرامش روحی مردم و حفظ مال و جان و آبروی آنان می‌دانند (نویدینا، ۱۳۸۲).

۳. تولید نظریه امنیتی مبتنی بر مصلحت در بستر فقه

نیاز به امنیت در فقه مانند سایر نیازهای انسان جایگاه خاصی دارد، گرچه در بحث‌های فقهی باب مستقلی به امنیت اختصاص داده نشده است اما می‌توان گفت علم مدنی یا همان دانش سیاسی دارای دو قسمت فقه مدنی و فلسفه مدنی است که فقه امنیت نیز از این طریق قابل بررسی است. اصطلاحاتی همچون حرب، بغی، محارب، جهاد، افساد فی الارض، ظلم، قتل، عدل، سلام، قصاص، صلح، حدود، مرتبط با امنیت در فقه می‌باشد لکن واژه حفظ مشهورترین واژه مرتبط است (علیدوست، ۱۳۹۴).

دو رویکرد مهم و عمده در بحث امنیت اجتماعی مطرح است: رویکرد سنتی و رویکرد مدرن.

رویکرد سنتی: متوجه ارزش‌های عینی بوده و به دولت محور و قدرت محور شهرت دارد و عبارتست از ارتباط تنگاتنگ بین افراد جامعه و امنیت در حفظ یا به خطر افتادن هر یک (سام‌آرام، ۱۳۸۸). در این رویکرد نیاز اساسی به سیستم نظارتی و کنترل رسمی وجود دارد (نوبدینیا، ۱۳۸۲).

رویکرد مدرن: متوجه ارزش‌های ذهنی و مشهور به جامعه محور و هویت محور است. در این رویکرد بین کیفیت بقای افراد جامعه و امنیت اجتماعی رابطه‌ای مستقیم برقرار بوده و صرف داشتن امنیت کفایت نکرده بلکه مشارکت و تأمین اجتماعی و حقوق شهروندی در عرصه‌های گوناگون مطرح می‌شود (نوبدینیا، ۱۳۸۲). طبق این رویکرد تلاش برای حفظ احساس ما بودن برای حفظ جامعه است تا حساسیت افراد جامعه به مشکلات و تعهد و تکلیف در آن اتفاق بیفتد (سام‌آرام، ۱۳۸۸).

نظریه امنیتی مبتنی بر مصلحت را می‌توان به دو شیوه درون فقهی و برون فقهی تولید کرد. در شیوه درون فقهی نظرات سه نفر از فقهای عظام بررسی می‌شود:

مرحوم فاضل مقداد: ایشان دو روش تولید نظریه پیشنهاد می‌کند در روش اول تکامل شخصیت انسان به فراهم کردن عامل‌های مفید و دفع کردن عامل‌های مضر منوط شده و دین برای جلب اولی و دفع دومی وارد شده است و امنیت جزء مباحث مهم دین است، لذا تولید نظریه در این باب مبتنی بر ارائه عوامل مفید و مضر توسط کارشناسان

خبره است و فقه برای جلب منفعت و دفع ضرر نظریه و حکم شرعی متناسب تولید می‌کند اما روش دوم مبتنی بر سیره عقلا به تولید نظریه می‌پردازد؛ زیرا عقلا حفظ پنج عنصر ارزشمند در زندگی انسان یعنی جان، مال، دین، نسب و عقل را ضروری می‌دانند و فقه امنیت مبتنی بر مصلحت با احکام عبادات، قوانین جزایی، ترسیم معاملات و تجویز ازدواج برای این مقصود برنامه ریزی می‌کند (اعرافی، ۱۳۸۸، ص ۹۱).

مرحوم میرزای نائینی: میرزای نائینی تولید نظریه امنیت اجتماعی مبتنی بر مصلحت را بیش از اسلاف خود مد نظر داشته و تحول جدی در این حوزه پیشنهاد می‌کند، توضیح آنکه قبل از میرزای نائینی حکومت‌ها به دو نوع جور و عدل تقسیم می‌شدند اما ایشان این دیدگاه را دگرگون کرده و امنیت و آزادی را جایگزین عدالت کرد از این رو حفظ امنیت مردم به‌عنوان مهم‌ترین وظیفه حکومت مطمح نظر فقها قرار گرفت از نظر ایشان یکی از مهم‌ترین تکالیف امام و حاکم شرع حفظ بیضه اسلام و تشکیل حکومت اسلامی است و این دو اصل مهم برای حفظ شرافت هر قومی ضروری است.

از اصل حفظ بیضه اسلام ایشان ضرورت نظریه پردازی فقهی در حوزه نظم و نظام داخلی که همان فقه امنیت اجتماعی مدنظر ایشان است و دفع عوامل ظلم و آزادیهای مدنی استنباط شده و از اصل ضرورت تشکیل حکومت ایشان نیز ضرورت نظریه پردازی فقهی در حوزه امنیت و حفظ ملت از دخالت بیگانگان استنباط می‌شود (نائینی، ۱۳۸۲، صص ۴۱-۴۴).

امام خمینی علیه السلام: الگوی تولید نظریه ایشان در حوزه امنیت مبتنی بر مصلحت فقهی در چهار محور مردم، نظام، رهبری و اهداف حکومت می‌گنجد و با سایر فقها متفاوت است. امنیت اجتماعی مد نظر ایشان مبتنی بر مصلحت فقهی و مردم پایه بوده بعلاوه صرف قانون در اصلاح جامعه و تأمین امنیت مکفی نبوده و نیازمند مجری و قوه اجراست و به همین خاطر خداوند پیامبر و جانشینان او را مأمور به تشکیل حکومت، نظام جامعه و تأمین امنیت نموده است و اکنون هم در همه جوامع صرف قانون فایده ندارد (خمینی، ۱۳۹۲، ص ۲۵). وی با دیدگاه اختصاصی خود که گفتمان انقلابی (لک‌زایی، ۱۳۸۹) و برگرفته از نظریه خطابات قانونی مختص خویش است (خمینی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۳۱۶؛

خمینی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۴۴۸، در چهار حوزه مذکور و حذف طاغوت سخن گفته است. ایشان معتقد است که بدون امنیت اجتماعی و نظم اجرایی، فساد و هرج و مرج رواج می‌یابد، از این رو چاره‌ای جز تشکیل حکومت و نظم بخشی به امور کشور نیست. پس دستگاه اجرایی و حکومت و نظم از نظر شرع و عقل همانند زمان رسول خدا ﷺ و حضرت علی علیه السلام در عصر ما نیز لزوم داشته و انکار مسائلی مانند دفاع و حتی آمادگی دفاع و حفظ حدود و مرز و مالیات و خمس و احکام کیفری و مانند آن انکار ضرورت احکام اسلام و جامعیت و جاودانگی آنهاست (خمینی، ۱۴۱۸، ج ۳، صص ۲۸-۲۹). ادله ایشان در باب ضرورت حکومت اسلامی نیز راهگشای تولید نظریه فقهی بومی امنیت اجتماعی مبتنی بر مصلحت است؛ زیرا ایشان گسترش تعلیم و تربیت، وسعت عدالت، برطرف کردن ظلم، حفظ کردن مرز و تمانع از تجاوز بیگانگان و حفظ نظم را به عنوان دلایل ضرورت ذکر می‌کنند که اینها جز با تولید نظریه امنیتی مبتنی بر مصلحت امکان تحقق خارجی ندارد (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۲۱).

۳-۱. گزاره‌های فقهی موثر در تولید نظریه امنیت اجتماعی اسلام

گزاره‌های فراوانی در فقه امامیه می‌تواند پژوهشگران را در تولید نظریه بومی امنیت اجتماعی مبتنی بر مصلحت یاری کند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

الف. نهاد نظارتی بیرونی (امر به معروف و نهی از منکر): بحث امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک فریضه و واجب الهی به عموم مسلمین تکلیف شده و نهادی برای نظارت بیرونی و تولید امنیت اجتماعی محسوب می‌شود (نوری همدانی، ۱۳۷۷، ص ۳۳؛ نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۱، ص ۳۵۲). برخی فقها دیگر بر تبعات اجتماعی این فریضه، ادعای اجماع بر وجوبش کرده‌اند (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۱، ص ۳۵۸) و امام خمینی آن را واجب عینی می‌داند (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۷۹). این نهاد می‌تواند در تولید نظریه مذکور موثر باشد زیرا امنیت را مسئولیتی همگانی معرفی کرده، شرایط خاصی برای آمر و ناهی معرفی کرده، برای وجوب آن لوازم خاصی دارد و مردم پایه بودن امنیت در نظر حضرت امام جز با لحاظ این مهم امکان ندارد.

امر به معروف و نهی از منکر به وسیله‌ی نظارتی همگانی، در جهت سوق دادن جامعه به سمت اصلاح و جلوگیری از فساد و در نتیجه تولید و حفظ امنیت اجتماعی بسیار موثر است (احمدوند و دیگران، ۱۴۰۰)؛ زیرا در حقیقت امنیت اجتماعی بستگی شدیدی به تبعیت از ارزش‌ها و هنجارهای درون اجتماع و منحرف نشدن از آنها دارد و نقشی اساسی در آشنا کردن مردم یک جامعه با ارزش‌ها و هنجارهای موثر در امنیت اجتماع داشته و در نتیجه میزان التزام مردم به آنها نیز افزایش پیدا کرده و این امنیت نیز پایدارتر خواهد شد.

ب. مشورت در سیاست و حکومت: واژه شورا در مقابل استبداد و به معنای تحصیل نظر با رجوع برخی به بعضی دیگر است (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۳۳). شورا از منظر فقها دارای استناد کافی در قرآن (آل عمران، ۱۵۹) و روایات (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۱؛ نائینی، ۱۳۸۲، ص ۸۵) بوده و مولد امنیت اجتماعی در بحث‌های حکومت اسلامی است البته مشخص است که با نظرات کارشناسان مورد اعتماد در امور مختلف خصوصاً امور عمومی باید مشورت صورت بگیرد تا جایی که خداوند به رسول خدا ﷺ نیز سفارش به این امر کرده است (ابن ابی الحدید، بی تا، ج ۷، ص ۴۱). مشورت به عنوان یک فرایند تصمیم‌گیری جمعی، به شناسایی و انتخاب بهترین راه‌حل‌ها کمک می‌کند. این فرآیند با تکیه بر دانش و تجربیات مختلف افراد، تصمیماتی را براساس منافع عمومی و مصلحت جمعی به ارمغان می‌آورد. در نتیجه، مشورت نقش مهمی در تعیین تصمیمات صحیح و کارآمد دارد که می‌تواند در درازمدت به مصلحت عمومی جامعه کمک کند و از بروز مشکلات جلوگیری کند. این مهم که درباب النصیحه لائمة المؤمنین نیز مطرح شده است می‌تواند با لحاظ مصلحت حکومت و حاکمیت امنیت اجتماعی جامعه اسلامی را تقویت نماید و البته می‌تواند در تولید نظریه مدنظر پژوهش نیز تأثیر شگرفی بگذارد زیرا باز بودن باب گفتگوی حاکمیت و مردم افزون بر جلب مشارکت عمومی، احساس تعلق جامعه به تولید امنیت را بیشتر می‌کند.

ج. قاعده حفظ نظام: تأثیر این قاعده در همه عناصر دولت (جمعیت، حکومت، سرزمین، حاکمیت) محل اتفاق است و در تولید امنیت اجتماعی نقشی ویژه دارد (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۱، ص ۳۹۴).

کارکرد این قاعده در حفظ وحدت و نظم داخلی و همچنین حفاظت از بیگانگان و دشمنان مورد تأکید بوده (نائینی، ۱۳۸۲، ص ۷) و در فقه شیعه به عنوان تبلور سیره معصومین مشاهده شده تا جایی که حتی در حکومت ظالمین نیز قاعده حفظ نظام جاری و ساری بوده و بر آن ادعای اجماع نیز شده است (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۱، ص ۴۷)، و برخی از فقها آن را جزء واجبات مطلق دانسته‌اند (انصاری، ۱۴۱۱ق، ص ۶۴) و امام خمینی علیه السلام به عنوان موسس نظام و حکومت اسلامی آن را جزء بزرگترین فرائض اسلام می‌داند (خمینی، ۱۳۷۰، ج ۱۵، ص ۳۲۸).

این همه تأکید بر جایگاه والای این قاعده تأثیر آن را بر تولید نظریه امنیت اجتماعی مبتنی بر مصلحت فقهی بیش از پیش مشخص می‌کند، هیچ کدام از کارکردهای ذکر شده برای این مهم بدون مصلحت اندیشی عالمانه و مبتنی بر فقه امکان تحقق خارجی ندارد و امنیت اجتماعی بدون حفظ نظام اجتماع معنایی ندارد، از این رو توجه به این قاعده می‌تواند راهگشای تولید این نظریه باشد.

حفظ نظام به عنوان یک اولویت اصلی در فقه اسلامی، نیازمند توجه به مصلحت است. تصمیم‌گیری‌هایی که با هدف حفظ نظام اتخاذ می‌شوند، باید به گونه‌ای باشند که منافع عمومی را تضمین کرده و از ایجاد تضادها و اختلافات جلوگیری کنند؛ بنابراین، حفظ نظام تنها با رعایت مصلحت عمومی ممکن است و این دو اصل به طور متقابل در تقویت و استقرار یکدیگر نقش دارند. مصلحت‌های اجتماعی و اقتصادی باید همواره در حفظ نظام مد نظر قرار گیرند تا جامعه‌ای پایدار و مستحکم ایجاد شده و فسادها نیز ریشه کن گردند.

د. نهاد اطلاعاتی: با وجود حساسیت اسلام نسبت به جاسوسی و حریم خصوصی مسلمین (حجرات، ۱۲) به دولت اجازه تأمین امنیت اجتماعی انسان‌ها و حفظ نظام اسلامی را داده است (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۲۹۵) و واژه بطانه در متون اسلامی و فقهی حاوی این مطلب است (آل عمران، ۱۱۸؛ توبه، ۴۷) که در واقع همان طریق حفظ اسرار و رازهای یک کشور و ملت است که برخی از فقها این واژه را توسعه داده و با تمسک کردن به قاعده‌های حفظ نظام و وجوب دفاع از نظام اسلام ضرورت تأسیس این سازمان را نتیجه

گرفته‌اند (مرعشی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۱۰۲). در واقع نهادهای اطلاعاتی وظیفه دارند تا به وسیله‌ی مساعدت کردن نهادهای دیگر موثر در جامعه‌پذیری و آموزش و پرورش در اجتماع، تربیت امنیتی نهادهای اجتماعی و افراد و گروه‌های جامعه را عهده‌دار گشته و پیشرفت اجتماع را با عدم شکل‌گیری خواسته‌های نامناسب و غیرممکن در اجتماع رشد بهتر و بیشتری بدهد زیرا هر کدام از این درخواست‌های مردم هر لحظه مانند تهدیدی بالفعل امنیت اجتماعی را در معرض خطرات گوناگون قرار خواهد داد البته اصل ضرورت این نهاد و استنباط مبانی و فقه فعالیت‌های اطلاعاتی نیازمند پژوهش فراوان است با این حال آنچه ثابت است تأثیر این نهاد بر تأمین امنیت و نظریه فقهی و بومی امنیت اجتماعی مبتنی بر مصلحت است.

ه. اصل تعاون اجتماعی: براساس آیه دوم سوره مائده «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى» همه افراد جامعه موظف و مکلف به یاری کردن در کارهای نیک شده‌اند که به اذعان برخی فقها مشارکت در امور مولد امنیت اجتماعی مانند امور انتظامی و قضایی و سیاسی از مصداق‌های آیه شریفه می‌باشد (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۲، ص ۱۵۵). و به‌طور یقین ایجاد و تدوام امنیت اجتماعی از اعمالی است که همه مکلف به تعاون و کمک در آن هستیم و این اصل می‌تواند مبنای تولید نظریه در این حوزه نیز قرار بگیرد با این توضیح که تولید امنیت اجتماعی و حفظ آن در اجتماع به شدت تحت تأثیر مشارکت کردن تمام شهروندان آن خواهد بود به دلیل اینکه براساس اصل تعاون گسترش پیدا کردن مشارکت مردم در تولید و ارتقای اعتماد اجتماعی و ارزش‌هایی مانند وفاداری و صداقت و امثال آن خواهد شد و در نتیجه امنیت اجتماعی نیز افزایش پیدا خواهد کرد. در این زمینه تنها نظارت دستگاه‌های نظامی و انتظامی کافی نبوده بلکه تراکم بیشتر مشارکت فعال شهروندان براساس اصل تعاون باعث تولید و ارتقای امنیت اجتماعی است.

نکته مهم این است که در همه گزاره‌های فقهی مذکور عنصر مصلحت نقشی اساسی را دارد و خاستگاهی محکم برای تولید امنیت اجتماعی است که با پشتیبانی این گزاره‌ها جایگاه مصلحت محکم‌تر می‌شود.

۴. تأثیر عنصر مصلحت در تولید نظریه امنیت اجتماعی

مصلحت در جامعه اسلامی به چهار حالت متصور است:

الف. غفلت از مصلحت عمومی و تأمین مصلحت نظام و شرع

ب. غفلت از مصلحت نظام و شرع و تأمین مصلحت عمومی

ج. تأمین مصلحت شرع و نظام و مصلحت عمومی

د. عدم تأمین مصلحت عمومی و شرع و نظام.

واضح است که مورد سوم بهترین حالت برای یک جامعه است. حال مسئله این

است که امنیت اجتماعی و مصلحت اجتماع رابطه عرضی دارد یا طولی؟

درباره مصلحت حفظ اسلام نظرات متفاوتی وجود دارد: گاهی مصلحت حفظ

اسلام (به عنوان مجموعه) و اصولش بر همه چیز حتی احکام ثابت تقدم داده شده. گاهی

مصلحت حفظ اسلام بالاتر از حکومت و نظام اسلامی بیان شده گاهی تفکیک بین

حفظ اسلام و نظام اسلامی برداشته شده و گاهی بر تقدم حفظ ارزش های دینی بر

مصلحت های ظاهری تأکید شده است (صرامی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۱).

امام خمینی علیه السلام روش بحث را براساس فقه جواهری تنظیم نموده یعنی حکم های

فقهی را از ساحت فردی به ساحت اجتماعی فقه و در واقع از مسجد به جامعه می کشاند،

که البته شرایط زمان و مکان در آنها موثر است (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱، ص ۲۸۹). ایشان با

مطرح کردن بحث جدیدی در این باره مقامی ارزشمند به عنصر مصلحت داده و ضمن

تقدمش بر احکام فرعی، حکومت را به عنوان شعبه ای از ولایت مطلقه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

بر همه حکم های فرعی حتی نماز مقدم می داند (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰، ص ۴۵۱). این نظریه با

دیدگاه مشهور فقها تفاوت دارد که قایلند احکام حکومتی در دایره احکام فرعی الهی

هستند و همچنین متمایز از قول شهید صدر علیه السلام و میرزای نائینی است که بنا بر منطقه

الفراغ در احکام مباح دارد (حقیقت، ۱۳۸۹).

بنابراین تحول امام خمینی علیه السلام در مفهوم مصلحت و تولید نظریه با انکای به آن در

خروجش از احکام ثانوی و حکومتی به احکام اولیه بوده و محدود شدن مصلحت به

شرع را باعث بسته شدن دست حکومت می‌داند (حقیقت، ۱۳۸۹). لذا نگاه ایشان به فقه به‌عنوان تئوری کامل و واقعی اداره اجتماع و فرد از گهواره تا گور (خمینی، ۱۳۷۰، ج ۲۱، ص ۹۷) و از طرفی ملاحظه مقتضیات زمان و مکان، ارتباطی مستقیم بین فقه با مصالح اجتماع و تولید نظریه در این باب ایجاد می‌کند (خمینی، ۱۳۷۰، ج ۲۱، ص ۴۷).

خلاصه آنکه با توجه به اهمیت بحث امنیت اجتماعی به‌عنوان یکی از مصالح، فقه امام خمینی می‌تواند منشأ تولید نظریه بومی در باب امنیت شده و امنیت مد نظر ایشان بسیار به سیره عقلای عالم نزدیک بوده و کارکردهای متنوعی در حوزه سیاست و اجتماع دارد.

۵. نسبت متعلقات مصلحت با امنیت اجتماعی

در مورد نسبت این دو عنوان، می‌توان به دو اصطلاح مصلحت دولتی و دولت مصلحتی اشاره کرد که هدف اولی در فرد یا گروه خاص و قلیل و دومی هدفش عموم افراد جامعه است (افتخاری، ۱۳۸۴، ص ۹۹). باید مصلحت از نوع اول و دوم باهم سازگار شوند تا مصلحت قدرت سیاسی مبدل به اجتماع سیاسی شده و در واقع مصلحت نظام همنشین با مصلحت عموم شده و رابطه‌ای عرضی استقرار پیدا کند.

به عقیده فقهای ژرف اندیش همچون امام خمینی علیه السلام اولویت عنصر مصلحت بر احکام فراتر از تبعیت احکام از مصالح و مفسد است (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۸۰)، ایشان با تأکید بر اولویت داشتن مصالح نظام غفلت را جایز ندانسته و مصلحت جامعه را مقتضی مصلحت نظام می‌دانند (افتخاری، ۱۳۸۴، ص ۴۷۰). در حقیقت امام خمینی علیه السلام تعبیر دولت مصلحتی را قبول دارد.

از نظر فقه لحاظ کردن مصلحت جامعه در صادر کردن احکام علاوه بر آنکه نظریات جدید می‌آفریند، باعث عمق بخشی بیشتر به پایگاه اجتماعی قدرت سیاسی و قوام دوباره بخشیدن به مصلحت نظام است و پایه امنیت و مصلحت را پی ریزی مجدد می‌کند (صرامی، ۱۳۸۰، ص ۷۶)، اگر منکر این ارتباط شویم امنیت اجتماعی با امنیت سیاسی

و قدرت تعارض پیدا می‌کند. نظام سیاسی باید به‌جای مدیریت نا امنی در اجتماع، حرکت نظری و عملی خویش را بر مدار امنیت سازی با معیار اطمینان بخشی به جامعه تنظیم کند. بر این اساس عنصر مصلحت در تولید نظرات امنیت اجتماعی تأثیرات متفاوتی می‌گذارد:

۱-۵. مشروعیت ساختاری در سایه تعامل سیاسی

خواست مردم به‌عنوان یکی از ستون‌های اصلی مشروعیت حکومت و مصلحت نظام ارتباط تنگاتنگی با ارزش‌های اجتماعی داشته و از نگاه مردم مشروعیتش انطباق با ارزش‌های اجتماع خواهد بود (رفیع‌پور، ۱۳۷۶، ص ۴۴۷). حکومت اسلامی مشروعیت را از منابع ترکیبی گرفته و به دنبال ارائه آموزه‌هایی متوازن از منبع پیشینی (منبع الهی در قدرت سیاسی) و منبع پسینی (منبع اجتماعی) می‌باشد (سلیمانی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۱) و این تنوع خود راهبردی اساسی در تأمین امنیت اجتماعی و تولید نظرات نوپدید در این حوزه است و در چنین حالت ترجیح مصالح عمومی بر فردی، هنجارها و قواعد امنیت اجتماعی الگویی اثر بخش در جامعه و افرادش خواهد بود.

۲-۵. انسجام اجتماعی در سایه رضایت اجتماعی

محتوا و ماهیت امنیت اجتماعی در حقیقت انسجام اجتماعی بوده که می‌توان گفت استواری آن بدلیل قابل طرح بودن امنیت در فضای خواسته‌های بازیگرانش، بر محور رضایت اجتماعی است

و معنای امنیت اجتماعی مشروط به اوست (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۵). در اینجا امکان ساماندهی نیروهای اجتماعی در ساختار مجموعه‌ای امنیتی برای تأمین امنیت اجتماعی فراهم بوده و رعایت مصلحت‌های عمومی هم ضروریست. رضایت‌مندی از تطابق بین قدرت داشتن و حفظ کردن منفعت‌ها و تحصیل اهداف به‌دست آمده و در صورت توانمندی بازیگرانش امنیت اجتماعی در سایه رضایت‌مندی اتفاق می‌افتد (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۵). و همین اتفاق بسیج کردن نیروها و گروه‌های اجتماعی در جهت تأمین اهداف

نظام سیاسی از جمله امنیت اجتماعی را در پی دارد. مدیریت این رضایتمندی افزون بر پاسخ دادن خواسته‌های عمومی امکان هدایت آنها را نیز بدنبال داشته و انسجام حاصل شده باعث تحریک آفرینی اجتماعی و تداوم آنها و در نتیجه قوام بخشی به رابطه تنگاتنگ امنیت و دولت در یک جامعه خواهد شد.

۵-۳. درونی سازی ارزش‌های اجتماعی

نظام و جامعه اسلامی به خاطر اتصاف به شریعت، مصالحشان نیز مصالح دین است که فقه پویا و مبتنی بر اجتهاد نقشی اساسی در این میان خواهد داشت؛ زیرا فهم دقیق مصلحت نظام و مصلحت عمومی باعث الفت بین نظام سیاسی و نظام اجتماعی شده و امنیت اجتماعی و ملی را تضمین و تأمین خواهد کرد. بازتولید نظام ارزشی و به تبعش بازتولید هنجارهای اجتماعی بستگی به فهم‌های عمیق و پویا از مضامین فقهی دارد که در عین حفظ اصالت فرهنگ و هویت، شرایط تحولی جامعه را در راستای امنیت اجتماعی مدیریت می‌کند (سلیمانی، ۱۳۸۹). درونی کردن ارزش‌ها و هنجارها در بازتولید آنها در یک جامعه برخوردار از چند خصوصیت است:

الف. قدرت فکری و نظری: یعنی در جامعه‌ای که براساس شریعت و فقه بنیان شده، فقها باید ابعاد مختلف نظری و فرانظری را پرورش و تقویت نمایند که این مهمترین مواضع برای تولید نظریه مدنظر است.

ب. قدرت عاطفی جامعه: یعنی فرهنگ یک جامعه بشدت بستگی به احساسات مخاطبینش داشته و دارای قدرت زیادی در تأمین امنیت اجتماعی دارد از این رو ارائه الگوی ساخت قدرت عاطفی جامعه از دیگر زمینه‌های تولید نظریه است.

ج. قدرت پاسخ به نیازها: جذابیت یک فرهنگ در جامعه بستگی به قدرت پاسخگویی به نیازهای آن جامعه دارد و همین در جذابیتش تأثیر دارد (سلیمانی، ۱۳۸۹)، که ساخت این جذابیت می‌تواند محل تأمل پژوهشگران برای تولید نظریه بومی امنیتی شود. براساس این مبنا اجرای عنصر مصلحت در این فضا ضامن فرهنگی سالم و جامعه ونظامی با هویت اصیل و ناب خواهد بود.

نتیجه‌گیری

از این نوشتار نتایجی حاصل شد که عبارتند از:

۱. قدمت سنت مطالعات امنیتی در علوم اسلامی، به بلندای تاریخ اسلام است.
۲. مصلحت با اینکه به دلایل مختلف در اهل سنت به صورت یک قاعده می‌تواند استخراج و استناد شده باشد اما در امامیه به صورت قاعده مطرح نبوده و بلکه عنصر یا مولفه مصلحت وجود داشته است.
۳. مصلحت فقهی ابزاری است در برابر تهدیدات نظری و شناختی دشمن در جهت کاهش احتمال اعمال قدرت سخت که سبب افزایش امنیت در نظام اسلامی می‌شود. نظام اسلامی می‌تواند بدون توسل به قدرت سخت و با کاربست مصلحت‌بازداری سیاسی و امنیتی خود را افزایش دهد.
۴. نظریه‌پردازی در حوزه فقه امنیت باید ویژگی‌های مانند جامعیت نسبت به ساحات، سطوح، موضوعات و قلمروهای امنیت؛ فراگیری نسبت به همه رفتارها؛ توجه به تهدیدات و امنیت سخت و نرم را دارا باشد و روشمند بودن، نظام‌مند بودن، هدفمند بودن و عملیاتی و عینی و در نتیجه توجه عمده به مظاهر و شاخص‌های تهدید و امنیت، از دیگر ویژگی‌های تولید نظریه در این حوزه است.
۵. دو رویکرد مهم و عمده در بحث امنیت اجتماعی مطرح است که عبارتند از: رویکرد سنتی (دولت‌محور و قدرت‌محور) و رویکرد مدرن (جامعه‌محور و هویت‌محور).
۶. گزاره‌های فقهی موثر در تولید نظریه امنیت اجتماعی با خاستگاه مصلحت عبارتند از: نهاد نظارتی بیرونی (امر به معروف و نهی از منکر)، مشورت در سیاست و حکومت، قاعده حفظ نظام، نهاد اطلاعاتی، تعاون اجتماعی.
۷. امنیت فقهی با دو شیوه درون فقهی و برون فقهی مطرح شد و نظرات اجمالی فقها مطرح شد که در این میان نظر امام خمینی علیه السلام در محورهای چهارگانه مردم و نظام و رهبری و اهداف حکومت با سایرین متفاوت است.

فهرست منابع

* قرآن کریم

** نهج البلاغه

ابن ابی الحدید، عبدالحمید. (بی تا). شرح نهج البلاغه (ج ۷). قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

احمدوند، خلیل الله؛ بابایی تبار، مهدیه. (۱۴۰۰). «نقش امر به معروف و نهی از منکر در امنیت جامعه از منظر فقهی»، فصلنامه قانون یار، شماره ۱۷، صص ۹۱۷-۹۴۳.

اعرافی، علیرضا. (۱۳۸۸). فقه تربیتی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

افتخاری، اصغر. (۱۳۸۴). مصلحت و سیاست؛ رویکردی اسلامی. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.

ایزدهی، سیدسجاد. (۱۳۹۲). «ضوابط مصلحت در فقه شیعه»، فصلنامه سیاست متعالیه، شماره اول، صص ۲۹-۵۸.

انصاری، مرتضی. (۱۴۱۱ق). المکاسب. قم: دار الذخائر.

جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۷ق). الصحاح (ج ۲). بیروت: دارالعلم.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۷). تفسیر موضوعی (ج ۱۲)، قم: نشر اسراء.

حسینی، سیدعلی. (۱۳۸۱). «سیر تطور مصلحت در فقه شیعه»، پژوهشنامه حکمت و فلسفه، شماره ۱، صص ۷۸-۱۰۷.

حقیقت، سیدصادق. (۱۳۸۹). «فقه سیاسی شیعه و نقش دو گانه مصلحت»، فصلنامه شیعه‌شناسی، شماره ۳۲، صص ۳۱-۵۳.

خمینی، سیدروح الله. (۱۳۸۵). تحریر الوسیله (ج ۱، ۲، ۲۰، ۲۱). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

خمینی، سیدروح الله. (۱۳۷۰). صحیفه نور (ج ۱۵، ۲۱). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- خمینی، سیدروح الله. (۱۳۹۲). ولایت فقیه. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- خمینی، سیدروح الله. (۱۳۷۶). جواهر الاصول، مقرر محمدحسن لنگرودی، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- خمینی، سیدروح الله. (۱۴۱۸). تنقیح الاصول، مقرر حسین تقوی اشتهاردی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- خمینی، سیدروح الله. (۱۳۷۹). البیع، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- خوش فر، غلامرضا. (۱۳۸۶). «بررسی عوامل موثر بر حفظ، ایجاد و گسترش امنیت اجتماعی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۶۴-۱۶۳، صص ۱۴۸-۱۵۵.
- خوبی، سیدابوالقاسم. (۱۴۱۷ق). المحاضرات (ج ۴، محقق: محمد اسحاق فیاض). قم: انصاریان.
- راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۶ق). مفردات الفاظ القرآن الکریم. بیروت: الدارالشامیه.
- رحیمی، حسن و سوگلی زاده، ترلان. (۱۴۰۰). «تحول مفهوم مصلحت در فقه سیاسی معاصر شیعه»، پژوهشنامه متین، شماره ۹۱، صص ۵۷-۸۲.
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۶). توسعه و تضاد. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- رمضان البوطی، محمدسعید. (۱۳۸۳). مصلحت و شریعت (مترجم: اصغر افتخاری). تهران: انتشارات گام نو
- زبیدی واسطی، مرتضی. (۱۴۱۴ق). تاج العروس (ج ۲). بیروت: دار الفکر.
- سام آرام، عزت الله. (۱۳۸۸). «بررسی رابطه سلامت اجتماعی و امنیت اجتماعی با تأکید بر رهیافت پلیس جامعه محور»، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال اول، شماره اول، صص ۹-۲۹.
- سلیمانی، فاطمه. (۱۳۸۹). «نسبت مصلحت و امنیت در فقه سیاسی شیعه»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵۰، صص ۸۵-۱۱۳.
- سلیمانی، فاطمه. (۱۳۸۶). ایران و آمریکا در بستر تعاملات نرم افزاری قدرت و امنیت. تهران: مرکز تحقیقات کاربردی.

- شرتونی، سعید. (۱۴۰۳). اقرب الموارد. قم: منشورات مکتبه آیه الله المرعشی.
- صرامی، سیف الله. (۱۳۸۰). احکام حکومتی و مصلحت. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- عاملی، شمس الدین محمد. (بی تا). القواعد والفوائد (ج ۲). قم: نشر مفید.
- عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۸۴). قواعد فقه سیاسی (ج ۹). تهران: امیرکبیر.
- عبدالله خانی، علی. (۱۳۸۵). «عدالت و امنیت» فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۳۳، صص ۱۲۱-۱۳۲.
- علیدوست، ابوالقاسم. (۱۳۹۴). «جستی و ماهیت فقه امنیت و فقه امنیتی» فصلنامه حکومت اسلامی، سال بیستم، شماره ۷۸، صص ۵-۲۶.
- غزالی، محمد. (۱۴۱۷ق). المستصفی فی علم الاصول (تصحیح: محمد عبدالسلام عبدالشافی). بیروت: دارالکتب العلمیه.
- فیض، علیرضا. (۱۳۸۲). ویژگی های اجتهاد و فقه پویا. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- گیدنز، آنتون. (۱۳۸۳). مبانی جامعه شناسی (مترجم: منوچهر صبوری). تهران: نشر نی.
- لک زایی، نجف. (۱۳۸۹). «فلسفه امنیت از دیدگاه امام خمینی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴۹، صص ۵-۲۸.
- لک زایی، نجف؛ همدانی، محمدعلی. (۱۳۹۷). «نقش آموزه های فقهی در طراحی راهبرد امنیتی» فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم انسانی، شماره ۴، صص ۸۱-۱۰۳.
- مرعشی شوشتری، سیدمحمدحسن. (۱۳۷۳). دیدگاه های نو در حقوق کیفری اسلام (ج ۲). تهران: نشر میزان.
- منتظری، حسینعلی. (۱۴۰۹ق). مبانی فقهی حکومت اسلامی (ج ۲، ۴). قم: موسسه کیهان.
- میرزای قمی، ابوالقاسم. (۱۳۶۳). قوانین الاصول (ج ۲). تهران: اسلامیه.
- نائینی، محمدحسین. (۱۳۸۲). تنبیه الامه و تنزیه الامه. قم: بوستان کتاب.

- نجفی، محمدحسن. (۱۳۶۲). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام (ج ۲۱، ۲۲). بیروت: دار
إحياء التراث العربي.
- نوری همدانی، حسین. (۱۳۷۷). امر به معروف و نهی از منکر. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی
حوزه علمیه قم.
- نویدنیایا، منیژه. (۱۳۸۲). «درآمدی بر امنیت اجتماعی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره اول،
صص ۵۵-۷۶.
- نویدنیایا، منیژه. (۱۳۸۵). «تحلیل رابطه امنیت اجتماعی و هویت ایرانی»، مجله جامعه‌شناسی،
شماره ۳، صص ۱۵۶-۱۳۱.
- هزارجریبی، جعفر. (۱۳۹۰). «احساس امنیت اجتماعی از منظر توسعه گردشگری»، مجله
جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، شماره ۲، صص ۱۴۳-۱۲۱.

References

* The Holy Quran

** Nahj al-Balagha

- Abdollahkhani, A. (2006). Justice and security. *Political Science Quarterly*, (33), pp. 121-132. [In Persian]
- Ahmadvand, K., & Babaei Tabar, M. (2021). The role of enjoining good and forbidding wrong in the security of society from a jurisprudential perspective. *Qanoun Yar*, (17), pp. 917-943. [In Persian]
- Alidoust, A. (2015). The nature and essence of security jurisprudence and security-oriented jurisprudence. *Journal of Islamic Government*, 20(78), pp. 5-26. [In Persian]
- Ameli, Sh. M. (n.d.). *Al-Qawa'id wa al-Fawa'id* (Vol. 2). Qom: Mofid Publications. [In Arabic]
- Amid Zanjani, A. (2005). *Principles of Political Jurisprudence* (Vol. 9). Tehran: Amir Kabir Publications. [In Persian]
- Ansari, M. (1990). *Al-Makasib*. Qom: Dar al-Dhakhaer. [In Arabic]
- Arafi, A. (2009). *Educational jurisprudence*. Qom: Research Institute of Hawza and University. [In Persian]
- Eftekhari, A. (2005). *Expediency and politics: An Islamic approach*. Tehran: Imam Sadiq University. [In Persian]
- Feyz, A. (2003). *Features of Ijtihad and Dynamic Jurisprudence*. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
- Ghazali, M. (1996). *Al-Mustasfa fi 'Ilm al-Usul* (M. A. Abd al-Shafi, Ed.). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya. [In Arabic]
- Giddens, A. (2004). *Foundations of sociology* (M. Sabouri, Trans.). Tehran: Ney Publications. [In Persian]
- Haghighat, S. S. (2010). Shia political jurisprudence and the dual role of expediency. *Shi'a Studies Quarterly*, (32), pp. 31-53. [In Persian]

- Hezarjaribi, J. (2011). Perceptions of social security from the perspective of tourism development. *Journal of Geography and Environmental Planning*, (2), pp. 121-143. [In Persian]
- Hosseini, S. A. (2002). The evolution of expediency in Shia jurisprudence. *Journal of Hikmah and Philosophy*, (1), pp. 78-107. [In Persian]
- Ibn Abi al-Hadid, A. (n.d.). *Sharh Nahj al-Balagha* (Vol. 7). Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library. [In Arabic]
- Izdehi, S. (2013). Criteria for expediency in Shia jurisprudence. *Journal of Transcendent Policy*, (1), pp. 29-58. [In Persian]
- Javadi Amoli, A. (2018). Thematic exegesis (Vol. 12). Qom: Isra Publications. [In Persian]
- Johari, I. H. (1987). *Al-Sihah* (Vol. 2). Beirut: Dar al-Ilm. [In Arabic]
- Khoei, A. (1996). *Al-Muhadharat* (Vol. 4, M. E. Fayaz, Ed.). Qom: Ansarian. [In Arabic]
- Khomeini, R. (1991). *Sahifeh-ye Nur* (Vols. 15, 21). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]
- Khomeini, R. (1997). *Jawaher al-Usul* (M. H. Langarudi, Ed.). Qom: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
- Khomeini, R. (1997). *Tanquih al-Usul* (H. Taqavi Eshtihardi, Ed.). Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Arabic]
- Khomeini, R. (2000). *Al-Bay'*. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Arabic]
- Khomeini, R. (2006). *Tahrir al-Wasila* (Vols. 1, 2, 20, 21). Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
- Khomeini, R. (2013). *Velayat-e Faqih*. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
- Khoshfar, G. (2007). Investigating the factors affecting the preservation, creation, and expansion of social security. *Journal of Political-Economic Information*, (163-164), pp. 148-155. [In Persian]

- Lakzaei, N. (2010). The philosophy of security from the perspective of Imam Khomeini. *Journal of Strategic Studies*, (49), pp. 5–28. [In Persian]
- Lakzaei, N., & Hamdani, M. A. (2018). The role of jurisprudential teachings in designing security strategies. *Applied Research in Humanities*, (4), pp. 81–103. [In Persian]
- Marashi Shushtari, S. M. H. (1994). *New Perspectives in Islamic Criminal Law* (Vol. 2). Tehran: Mizan Publications. [In Persian]
- Mirza Qomi, A. (1984). *Qawa'id al-Usul* (Vol. 2). Tehran: Islamiya. [In Persian]
- Montazeri, H. (1989). *Jurisprudential Foundations of Islamic Government* (Vols. 2, 4). Qom: Keyhan Institute. [In Arabic]
- Na'ini, M. H. (2003). *Tanbih al-Ummah wa Tanzih al-Ummah*. Qom: Bustan-e Ketab. [In Persian]
- Najafi, M. H. (1983). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Sharayi' al-Islam* (Vols. 21, 22). Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- Navidnia, M. (2003). An introduction to social security. *Journal of Strategic Studies*, (1), pp. 55–76. [In Persian]
- Navidnia, M. (2006). Analysis of the relationship between social security and Iranian identity. *Journal of Sociology*, (3), pp. 131–156. [In Persian]
- Nouri Hamadani, H. (1998). *Enjoining the good and forbidding the evil*. Qom: Islamic Propagation Office Publications. [In Persian]
- Rafi'pour, F. (1997). *Development and conflict*. Tehran: Sherkat-e Sahami Enteshar. [In Persian]
- Raghib Isfahani, H. (1995). *Mufradat Alfaz al-Quran al-Karim*. Beirut: Al-Dar al-Shamiya. [In Arabic]
- Rahimi, H., & Sogolizadeh, T. (2021). The evolution of the concept of expediency in contemporary Shia political jurisprudence. *Matin Research Journal*, (91), pp. 57–82. [In Persian]
- Ramadan al-Buti, M. S. (2004). *Maslahat va Shari'at* (I. Eftekhari, Trans.). Tehran: Gam-e No Publications. [In Persian]

- Sam Aram, E. (2009). Investigating the relationship between social health and social security with an emphasis on community-based policing. *Social Order Quarterly*, 1(1), pp. 9-29. [In Persian]
- Sarami, S. (2001). *Governmental rulings and expediency*. Tehran: Strategic Research Center of the Expediency Council. [In Persian]
- Shartuni, S. (1983). *Aqrab al-Mawarid*. Qom: Ayatollah Marashi Library Publications. [In Arabic]
- Soleimani, F. (2007). *Iran and America within the framework of soft power and security interactions*. Tehran: Applied Research Center. [In Persian]
- Soleimani, F. (2010). The relationship between expediency and security in Shiite political jurisprudence. *Strategic Studies Quarterly*, (50), pp. 85-113. [In Persian]
- Zobeidi Waseti, M. (1993). *Taj al-Arus* (Vol. 2). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]